

## به نام خدا

پنجمین نشست از سلسله نشست‌های در محضر نور چهارشنبه اول اردیبهشت، مطابق با هشتمین روز از ماه مبارک رمضان برگزار شد.

در ابتدای این نشست سرکار خانم دکتر پارساپور، در مورد دعا و واژه‌های مترادف آن در زبان فارسی و دلالت‌های هریک سخن گفت.

معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی چنین آغاز کرد، در فارسی چند کلمه مترادف «دعا کردن» داریم.

اول خود «دعا» که البته در اصل واژه عربی است اما در فارسی استفاده می‌شود و به معنای خواندن و فراخواندن، صدازدن، بانگ‌زدن و در پی آن طلب چیزی است. «راز و نیاز»، به معنای بیان سرّ درون که ممکن است طلب و خواسته‌ای در آن نباشد. در نتیجه در راز و نیاز و دعا ممکن است هدف ما فقط گفتگو باشد و یا خواستن چیزی. معمولاً در ادعیه این دو کنار هم هستند.

لفظ بعدی، «مناجات» است و به نحوی متفاوت است. نوعی نجوا است. انگار گفت‌وگوی پنهان عاشقانه آرام بنده با خدای خودش است. از همین رو، این واژه با دعا که فراخواندن با صدای بلند است کمی تفاوت دارد. در مناجات هم ممکن است مشخصاً چیزی را طلب نکنیم، بلکه هدف همان گفت‌وگو و بیان راز و حالت تنهایی انسان است.

سه واژه دعا، مناجات و راز و نیاز مترادف یکدیگر به کار می‌روند. اگر بخواهیم وجه مشترکی بین این واژه‌ها پیدا کنیم، صدا زدن و خواستن است. حتی در مناجات هم که نوعی گفت‌وگو است، نوعی خواستن داریم، اما سطح خواسته‌ها متفاوت است. گاهی نزد دوست خوب خود می‌رویم و از او کمکی، وسیله‌ای، ابزاری می‌خواهیم. گاهی نزد دوست می‌رویم و هدفمان فقط گفت‌وگو با دوست و لذت بردن از همنشینی و تنهایی با دوست است؛ در حالتی که چیز مشخصی از دوست نمی‌خواهیم، خود او را طلب می‌کنیم. این طلب دوست است بدون آنکه چیزی طلب کنیم و این همان مناجات عرفاست که از دوست چیزی طلب نمی‌کند، جز خود دوست. چنانکه شیخ بهایی می‌گوید:

ما ز دوست غیر از دوست، مقصدی نمی‌خواهیم حور و جنت ای زاهد! بر تو باد ارزانی

پس از مقدمه خانم دکتر پارساپور، خانم دکتر مریم پرتو سخنرانی خود را با عنوان «اخلاق نیکو، گفتار نیکو، حسن ظن به دیگران» ارائه کرد.

دکتر مریم پرتو در آغاز سخنان خود به این اصل اشاره کرد که تمام اعمال و رفتار ما به نگاه توحیدی ما باز می‌گردد. همه انسان‌ها باید در نظر داشته باشند که «انا لله و انا الیه راجعون» محور اصلی همه آموزه‌های قرآنی است و تمام اعمال و رفتار انسان باید معطوف به این باور و ایمان و منبعث از آن باشد. اگر به بیان قرآن و دستورات قرآنی توجه کنیم، می‌بینیم در همین جهت است. در ابتدا به عنوان مطلع و متن اصلی صحبت به آیات ۳۳-۳۵ سوره فصلت استناد می‌کنم که می‌فرماید:

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ مَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

چه کسی سخنش نیکوتر است از کسی که به سوی خدا دعوت کند و کردار شایسته داشته باشد و خود را جزء مسلمین خداوند بداند. هرگز نیکی و بدی مساوی نیستند. همیشه بدی‌ها را با نیکوترین دفع کن و از بین ببر. پس آنگاه مشاهده خواهید کرد که آن کسی که بین تو و او دشمنی است، به صورت دوستان صمیمی و پیوسته خواهید بود. (یعنی نتیجه سخن نیکو و مشخصاً احسن، از بین رفتن بدی‌ها و ایجاد فضای دوستی و محبت به جای آن است.) و کسی به این نتیجه عالی دست نخواهد یافت، مگر کسانی که در این راه پایدار و استوار هستند و کسی به این دست پیدا نخواهد کرد، مگر اینکه دارای بهره بسیار بزرگی است.

اگر این دستور قرآن را نصب‌العین خود قرار دهیم می‌توانیم به وحدت جمعی و محبت و الفت قلبی دست یابیم و این ممکن نیست مگر اینکه در قلب خود به این باور رسیده باشیم، یعنی ایمان داشته باشیم که همه از یک خداییم و به سوی یک خدا باز می‌گردیم؛ همه نزد خدا برابریم، مگر آنان که خود خدا می‌فرماید که تقوی دارند و می‌توانند خود را کنترل کنند و در همه مناسبات با دیگران بر رفتار خود آگاه باشند و بهترین رفتار را انتخاب می‌کنند.

این فرمان عام است. همین فرمان را خداوند در آیه ۸۳ سوره بقره به بنی اسرائیل هم داده است:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ...

(به یاد آرید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم، جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان، احسان کنید و با مردم، سخن نیکو بگویید ...

قول حسن به چه معناست؟ بالاترین نعمتی که خداوند به انسان داده، بیان است؛ اینکه می‌تواند سخن بگوید و خود را برای دیگران تبیین کند. در سوره الرحمن می‌فرماید:

الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ، این استفاده از واژه «بیان» قابل توجه است. بیان یعنی انسان بتواند خود را تبیین کند. واژه‌های پرکاربرد دیگری در این زمینه در قرآن کریم، «قول» و «کلام» است. قول و کلام به معنای آن است که انسان بتواند آنچه را در درون اوست برای دیگران آشکار کند.

در سوره الرحمن از واژه قول و کلام استفاده نشده است. کلام به جنبه تأثیرپذیری سخن گفتن انسان تأکید دارد و قول هم درون انسان را آشکار می‌کند. اما واژه بیان معنای دقیق‌تری دارد؛ در بیان موضوعات از هم تبیین و جدا و متمایز می‌شوند. به واسطه بیان انسان خود را برای دیگران تبیین می‌کند و حقایق را آشکار می‌کند.

دروازه بیان روشنگری است. هرچند در قول و کلام هم آشکارگی هست، ولی در بیان رسایی بیشتری وجود دارد.

قول حسن به چه معناست؟ حسن چیزی است که شادی‌آفرین است و مورد رغبت و آرزوی انسان است.

احسان هم به معنای کار خوب کردن و به خود و دیگران نیکی کردن است. قول حسن یعنی قولی که مطابق فطرت انسان و خوشایند انسان باشد. انسان‌ها دوست ندارند سخنی که می‌شنوند تلخ و گزنده باشد. این سخن مختص یک یا چند آیه نیست، بلکه سراسر قرآن بر این پایه بنا شده که رفتار و ارتباط با دیگران باید نیکو باشد. در عین حال آیاتی داریم که به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند. مثلاً خداوند در سوره طه در داستان حضرت موسی و فرعون، فرعون را که عاصی، طغیانگر و متکبر است و دیگران را دسته دسته کرده و اهل برتری بر دیگران است، به موسی می‌فرماید اِذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

برو به سوی فرعون که او طغیان کرده و وقتی با او سخن می‌گویی به نرمی سخن بگو. چرا؟ چون تأثیر سخن نرم این است که یا او به حجتی که برای او می‌آورد متذکر می‌شود، یا ایمان می‌آورد و یا خشیتی نسبت به حق در او ایجاد می‌شود و در نتیجه مقداری با شما همراهی خواهد کرد.

در سوره نحل آیه ۱۲۵ فرموده است روش شما برای اینکه بتوانید با کسانی که با حق مخالفت می‌کنند، سخن بگویید چنین است: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

به راه پروردگارت دعوت کن با حکمت و موعظه‌ی حسنه و مجادله به نیکوتر. خداوند بهتر آگاه است چه کسی به هدایت نزدیکتر است.

اولین مواجهه شما برای کسانی که می‌خواهید حقایق را تبیین کنید از روی حکمت، یعنی برخورد با عقلانیت و منطق است. در مرتبه‌ی دوم موعظه حسنه. موعظه‌ی حسنه سخنی است که انسان‌ها با آن دلشان نرم شود و بتوانند به حقایق نزدیک شوند و در مرتبه‌ی سوم جدال احسن که به معنای آن است که از مقدمات عرفی استفاده شود و با آن طرف مقابل را مجاب کرد و یا موجب اسکات او شد.

در این آیه موعظه را به وصف حسنه آورده است، پس موعظه می‌تواند دو دسته باشد:

- سیئه: که موجب دفع مخاطب از حقیقت شود
- حسنه: به گونه‌ای باشد که برای فرد خوشایند باشد و او را ترغیب به موضوع کند.

آموزه‌ی دیگر قرآن این است که باید در گفتار با دیگران و دعوت آنها به خیر، بر آنچه وجه مشترک با دیگران است تأکید کنیم. در سوره آل عمران آیه ۶۴ می‌فرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخن، کلام و عقیده‌ای که میان ما و شما مشترک است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک خدا قرار ندهیم و نخواهیم برتری‌طلبی کنیم تدبیر همه امور و مسلط بر همه امور و رب تنها خداوند یگانه است...»

در نمونه‌ای از ذم برتری‌طلبی در سوره قصص آیه ۸۳ می‌فرماید چه کسانی می‌توانند به آرامش برسند:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

کسانی می‌توانند به بهشت دست پیدا کنند که دنبال برتری طلبی نباشند و دنبال فساد در زمین نباشند. اینها هم در دنیا به آرامش دست پیدا می‌کنند و هم در آخرت به رضوان الهی دست می‌یابند

نکته زیبا در آیه ۶۴ سوره آل عمران به کار بردن کلمه «تعالوا است». در عین حال که آمدن در این واژه لحاظ شده، بالا رفتن هم در نظر گرفته شده است؛ یعنی یک گام بالاتر و فراتر برویم، فراتر از نزاعمان برویم و به وحدت نسبی دست پیدا کنیم. بروی وجه اشتراکمان تأکید کنیم و به دنبال برتری طلبی نباشیم.

روش و شیوه قرآن، سراسر استدلال و منطق است یعنی هر جا قصد اثبات یگانگی و حقانیت خداوند است، به واسطه برهان و استدلال و منطق مطرح می‌شود. برای نمونه در محاجه حضرت ابراهیم با بت پرستان می‌بینیم، حضرت ابراهیم (س) از استدلال و منطق بهره می‌برد.

سوره انعام نمونه روشنی است از قرآن که سراسر احتجاج و حکمت و راهنمایی با عقلانیت و منطق است. در نتیجه می‌توان گفت آنچه می‌تواند در رأس قول حسن قرار گیرد، حکمت و موعظه حسنه و در مرتبه سوم جدال به احسن است.

در پایان باز می‌گردیم به آیات ۳۳-۳۵ سوره فصلت و تأکید پروردگار بر مساوی نبودن سیئه و حسنه. وظیفه انسان‌های موحد این است که بدی‌ها را با سخن نیکو «تر» دفع کنند و در نتیجه، در این فضا به جای عداوت و دشمنی، دوستی و الفت و محبت خواهد بود. این اشاره کوتاهی در مورد گفتار احسن و نیکو بود. این مبحث در قرآن و سیره معصومین دامنه گسترده‌ای دارد و موضوعی برای جست‌وجو و تعمق است.